

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

سیدهاشم سدید  
۳۱ دسمبر ۲۰۱۶

## نظری مختصر به دوره امانی و مقایسه آن با دولت و فضای موجود!

خبر رفتار خشونت آمیز با هموطنان اهل هنود و سکھ ما، که شرح آن در یکی از نوشته های آقای "امینی" آمده است، و داد و فریاد دولت و حامیان بیرونی آن که یکی از دلایل حضور خویش در افغانستان را استقرار دموکراسی و تأمین و دفاع از حقوق بشر وانمود می کنند، مرا وادار بدان ساخت تا نگاهی مختصر به دوران پادشاهی "شاه امان الله خان" مرحوم و نظریات نیک و انسانی وی در قبال حقوق، برابری و آزادی های مردم، به خصوص در قبال حق و حقوق و آزادی های اقلیت اهل هنود کشور، ببیندازم؛ و دوران زمامداری وی را با دوران زمامداری "کرزی - غنی"، با آن که از نظر زمانی کم و بیش نود سال این دو دوره با هم تفاوت دارند، و قاعدتاً طی این مدت دراز تحولات در کشور ما باید در جهت مثبت واقع می شد، با هم مقایسه کنم.

برداشت من با یک نگاه مختصر این است که این دو دوره از بسیاری جهات اصلاً قابل مقایسه نیستند - به خصوص در زمینه برابری میان اقلیت هائی که در کشور زندگی می کردند و زندگی می کنند. به زندگی اهل هنود با آنچه آقای "امینی" نوشته نگاه می کنیم؛ اما قبل از آن باید به این حقیقت اشاره کرد که آزادی های اهل هنود و سکھ در هر دوره ای بعد از دوره پیشین، به جایی این که بهتر شود، بد و بدتر شده است. زندگی این دو اقلیت مذهبی آرام و مطیع قانون و صلح دوست از نظر حق و حقوق، برابری های سیاسی - مدنی - قضائی - شغلی - مذهبی - اجتماعی از دوران پادشاهی "امان الله خان" مرحوم تا امروز به جای این که به سوی بهبودی در حرکت باشد، رو به خرابی گذاشته و روز به روز سخت تر شده است.

نوشته ای که در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" به قلم آقای "امینی" نشر شده است، به خوبی گویای این مطلب می باشد:

«اهل هنود طور سیستماتیک مورد تبعیض و حق تلفی قرار می گیرند. عده ای از دزدان و جنگ سالاران به زور خود مال و خانه اهل هنود را به تاراج برده از آن خود کرده اند. شکایت اهل هنود به مقامات دولت مستعمراتی به جایی نمی رسد، زیرا تاراجگران خود در مسند قدرت تکیه زده اند و به شکایات این مردم اصلاً گوش نمی کنند. متعصبان دینی گاهگاهی به منازل اهل هنود حمله کرده و آنها را اذیت می نمایند. بدتر از این که این عملکرد ضد بشری را مباح می دانند. پس چطور ممکن است که این اقلیت بتواند در صلح و آرامش در افغانستان زندگی نماید و حیات بی تکلیفی را

سپری کند. این اقلیت حتی یک نماینده در شورا ندارد که مدافع آنها باشد. روی همین ملحوظ است که هندو های افغانستان دسته دسته این کشور را ترک می گویند...»

اگر تاریخ حرکت خود برای ارزیابی زندگی اهل هند در افغانستان را از زمان پادشاهی مرحوم "امان الله خان" مدار اعتبار قرار بدهیم، خواهیم دید که زندگی این هموطنان ما واقعاً با گذشت زمان، و در هر دوره ای رو به سختی و تیرگی گذاشته و مشکلات آن ها به شکل مستمر افزایش یافته است؛ به جای این که تقلیل یابد. حتی در زمان طالب چنین برخورد غم انگیزی که در حال حاضر با اهل هند صورت می گیرد، آنگونه که آقای "امینی" شرح می دهد، دیده نشده است. طالبان هیچ وقت در صدد آن برنیامدند که به مال و ناموس هندوان دست دراز کنند. در قسمت نصب تکه های زرد به سینه های لباس شان می گفتند: می خواهیم هندوان از مسلمانان تفکیک شوند. غرض از تفکیک هندوان از مسلمانان این است که موظفین "امر به معروف و نهی از منکر" اشتباهاً هندوئی را مسلمان پنداشته مورد مؤاخذه و آزار قرار ندهد. نصب تکه زرد به روی سینه آن ها تنها به همین دلیل تجویز گردیده است.

از روی مشاهدات مردم، غیر از این کار، طالب با همه وحشت و بدوی بودن خویش هیچ وقت به پول و مال و دارائی و ناموس آن ها (و پول و مال و دارائی و ناموس دیگران) دست نبرده است. خلاف افراد و گروه هائی که خود را مجاهد و ولی و قیم مسلمانان افغانستان می نامیدند؛ کسانی که با گرفتن قدرت سیاسی در کشور، نه از مال و خانه سکه ها و هندوان دریغ کردند و نه از دارائی و ناموس آن ها!

در زمان ظاهر خان این اقلیت نسبتاً در راحتی به سر می برد، اما با آن هم من به خاطر ندارم که یک هندو یا یک سکه در کابینه های حکومت های مختلف آن دوره طولانی اشتراک ورزیده باشد؛ درحالی که در دوران پادشاهی "شاه امان الله خان" مرحوم حد اقل یک، یا دو وزیر از هموطنان اهل هند ما در کابینه و در مناصب بالای دولتی حضور داشته است.

آقای "امینی" نوشته می کند: «عده ای از دزدان و جنگ سالاران به زور خود مال و خانه اهل هند را به تاراج برده از آن خود کرده اند.»

چنین چیزی را ما تنها از زبان آقای "امینی" نمی شنویم، بلکه صد ها هزار انسان هموطن ما شاهد رفتن از این قبیل مظالم بر هموطنان اهل هند و سکه ما در دوره حاکمیت "کرزی - غنی" بوده و هستند.

چنین کاری نود سال بعد از آن صورت می گیرد - آنهم در حالی که فریاد دولت مبتنی بر وجود دموکراسی و آزادی و حقوق فردی و برابری و حقوق بشر و تأمین امنیت و اجرای عدالت و... گوش هفت آسمان را کر کرده است.

آیا در دوران "شاه امان الله خان" مرحوم چنین کاری می توانست صورت بگیرد، یا کسی چنین چیزی را در جائی خوانده یا شنیده است؟ قانون (نظامنامه) به صراحت قید کرده بود: «مسکن و جای هر فرد و تبعه افغانستان از هر گونه تعرض مصون بوده و هیچ کس از جانب حکومت و سائر مقامات و افراد بدون احکام نظامات به خانه شخصی جبراً و بلااستیذان داخل شده نمی توانست.»

دولت، به مثابه یک نهاد ملی و برای ایجاد وحدت میان همه مردم کشور خود را به تطبیق مفاد قانون مکلف می دانست و بر اساس همین حکم قانون و مکلفیت، پای بند به اجرای تعهدات خود بود.

برای این که به برخورد شریفانه و نیک و همسان "شاه امان الله خان" با همه آحاد ملت بیشتر متوجه شویم، می خواهم تکه ای از نوشته مرحوم غبار، این مؤرخ برجسته و سترگ کشور را از صفحه ۷۹۴ کتاب ارزشمند وی، افغانستان در مسیر تاریخ، به عنوان نمونه تقدیم خوانندگان گرامی نمایم:

«دولت از همه بیشتر متوجه تحکیم بنیان وحدت ملی افغانستان گردید. و عاقلانه این وحدت ملی را بر محور برادری و حقوق مساوی مردم افغانستان به گردش انداخت... همه افرادی که در مملکت افغانستان می باشند بلا تفریق دینی و مذهبی تبعه افغانستان گفته می شوند... کافه تبعه افغانستان در امور دینی، مذهبی و نظامات سیاسی دولت پابند بوده و آزادی حقوقی شخصی خود را مالک هستند... حریت شخصیه از هرگونه تعرض و مداخله مصئون است... در مجالس مشوره ولایات قندهار و غزنی و جلال آباد و انجمن معارف کابل، یک نفر نمایندگان انتخابی هندو های افغانستان شامل و در امور ادراه سپیم گردیده قید رنگ زرد از دستار و معجر هندو ها با باقیات پول جزیه (طبق فرمان حمل ۱۲۹۹ مساوی می ۱۹۲۰ شاه امان الله خان) مرفوع گردید، و اولاد هندو در مدارس ملکی و نظامی (لیسه های حبیبیه و حریبه) و افسری اردو قبول شد.»- [ویراستاری نشده است- پورتال]

در فرمان دوازدهم ماه حمل سال ۱۲۹۹، که مانند ستاره درخشانی بر جبین دولت این مرد مدبر و انسان واقعی و پادشاه خوب می درخشید، آمده است:

«امر است که هیچکس از هندو را مجبور به مسلمانی نکند. و اگر ثابت شد که در حق او شاهدهی ناحق کسی داده بود از شاهد مذکور مبلغ پنجصد روپیه جرم گرفته سه سال زندانی می شود... هر قسم دستار و دریشی که می پوشند بپوشند... امر است که تماماً مثل حقوق مسلمان ها مال ها و حقوق هندوها را محاکم سرکاری غمخواری کنند نه تنها در باب مال دزدی بلکه در جمیع دعوی های حقوق شان به عدالت و مساوات تحقیق کرده شود.»

چنین اقداماتی، نود سال قبل از امروز، از جانب یک انسان مهذب و شریف و ملی که نه از نظر تحصیل با "غنی" و امثالهم همسری می کرد و نه از نظر دانش، **شخصیت اول یا دوم جهان بود**، در دورانی که کشور ما و جهان اسلام در تعصب مذهبی و دینی و انواع خشونت فرو رفته بود، از جانبی کسی که از نظر سن خیلی از "اشرف غنی" جوان تر بود، کاری بود خارق العاده و غیر قابل تصور و انتظار! فراموش نشود که در آن زمان نه نهاد های حقوق مدنی وجود داشت، و نه نهاد های حقوق بشری یا سازمان های دفاع از حقوق اقلیت ها در کشور و در جهان!

شمولیت یک یک نماینده انتخابی هندوان در مجالس مشورتی ولایات را در آن روزگار، با امروز افغانستان که حتی یک نفر نماینده این اقلیت در مجلس شورای این کشور جای ندارد (تحمل نشد)، مقایسه کنید! از کدام بلندئی فرو غلتیده ایم؛ به چه پستی؟! ای وای خدای من!!

حریت شخصی و حق مالکیت همه، خواه هندو و خواه مسلمان و گیر و ترسا و یهود، و برابری، همان گونه که در قانون قید شده بود، واقعاً احترام می شد و مصون بود و دولت نشان داد که خود در تطبیق و رعایت آن کوشا می باشد!

"شاه امان الله" مرحوم در عمل نشان داد که به آن چه می گوید، باور دارد و بدان پای بند است. انتصاب دیوان "نرنجداس" به صفت وزیر مالیة دولت امانی، نشان از اعتقاد شریفانه و راسخ این راد مرد شریف و انسان واقعاً ملی به برابری میان آحاد ملت داشت.

"شاه امان الله خان" مردی بود که می خواست با اجرای عدالت و دادن شأن برابر و حقوق مساوی به همه، وحدت عملی و واقعی میان هزاره و تاجیک و پشتون و شیعه و سنی و هندو و سکهد و یهود و مسلمان و... را، به مثابه یگانه راه نیرومندی ملت و کشور در کشور، تأمین کند؛ مردی که با این دلبستگی و عشق و علاقه اش به مردم و به عدالت و آزادی در صدر همه حاکمان این کشور، چه پیش از خود و چه بعد از خود، قرار گرفت.

صداقت وی به آنچه می گفت، یگانه دلیلی بود که هم اهل هندو در جنوبی، هم برادران شیعه ما در مناطق مرکزی و هم مردم شمال و شمال شرق کشور، مظلوم ترین انسان ها در کشور ما، زمانی که آن مرحوم در اثر توطئه های بیگانگان با کمک و سازش دشمنان خاک و مردم و یاری روحانیت ملوث و مزدور و دکاندار، چون "مجددی" ها مجبور به ترک

وطن گردید، نه این که به پشتیبانی وی برخاستند، که تا امروز از وی به عنوان بهترین انسان و محبوب ترین زمامدار کشور یاد می کنند!

دیوان "ندلال بهسین" یکی از افراد دیگری مربوط به اقلیت هندو بود که به حیث یکی از کارمندان بلند رتبه دفتر شاه مشغول به کار بود.

مقایسه این دو دوره، دوران پادشاهی "شاه امان الله خان" مرحوم با دوران "کرزی" و "احمدزی"، همچنان با دوران "نادرخان" و "ظاهر خان" و "داوود خان" و "خلق - پرچم" و "مجددی" و "ربانی" و "طالب"، از جهات عدیده اصلاً قابل قیاس نیست.

"شاه امان الله" نعمتی بود برای خاک و مردم افغانستان که سوگمندان مردم قدر وی را ندانستند؛ نعمتی که شاید هیچ وقت مردم ما دو باره به داشتن آن مفتخر نشوند؛ حداقل از دو منظر: یکی زمان و این که دهه دوم و سوم قرن بیست، زمان زمامداری وی، از هیچ نگاه با دهه دوم و سوم قرن بیست و یک قابل مقایسه نیست و دو این که برنامه های او همه زاده افکار و نیات خود او و رفقای ملی گرای افغانی اش بود، درحالی که برنامه های "کرزی - غنی" پدیده های وارداتی هستند که بعد از یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ به مشوره و پول دیگران روی دست گرفته شده اند، نه آرزو ها و برنامه های حاصل از تمایلات ناب و ملی کسانی، مانند "عبدالله" و "غنی" و "کرزی" و همکاران و همفکران شان که اصلاً نه به فکر ملت اند و نه به فکر کشور!

۲۰۱۶/۱۱/۲۳

منابع:

پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"

افغانستان در مسیر تاریخ، غبار مرحوم

سایت همبستگی